

دامادهای شاه معمولاً مردان بدبختی هستند!

۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۲۴

در دوران قاجار سن ازدواج بر اساس موازین اسلامی بود و ازدواج‌ها به اشکال گوناگون صورت می‌گرفت، اما رایج‌ترین آن‌ها ازدواج‌هایی بود که به خواست خانواده و در دوران کودکی انجام می‌شد.

در این شیوهی ازدواج، به محض دنیا آمدن کودکی، تصمیم گرفته می‌شد که در بزرگی باید با چه کسی ازدواج کند. ازدواج‌هایی که در بین خانواده‌های روشنفکر جامعه رایج بود. در این شیوه، فرزندان خانواده می‌توانستند پس از پایان تحصیلات، اما با خواست والدین خود ازدواج کنند. ازدواج‌های سیاسی، که بیشتر در محیط دربار و بین خاندان سلطنتی صورت می‌گرفت. این‌گونه پیوندها بیشتر در جهت برقراری صلح و ایجاد رابطه با بزرگان کشوری بود.

از این رو فوریه می‌نویسد: «عادت در اینجا بر این جاری است که مرد غیر شاهزاده که شاهزاده خانمی را به زوجیت بگیرد نمی‌تواند زن دیگری بگیرد. امین السلطان صدراعظم ایران یک زن بیشتر نگرفته است و از او پنج شش فرزند آورده که چهار تن از ایشان پسرند. اعتمادالسلطنه مثل سفر پیش ما به صاحبقرانیه در آبادی ییلاقی خود حسن آباد با مادر و تنها زن خود که شاهزاده خانم است منزل کرده.»

مادام کارلاسرنا نیز می‌نویسد: «شاهزاده عصمت الدوله تنها همسر داماد شاه است. چون به طوری که همه می‌دانند شوهر یک شاهزاده خانم مجاز نیست که روی او عروسی کند و برایش هوو به خانه بیاورد. اخبار بازار - که آنجا همه چیز شنیده و گفته می‌شود - حاکی از آن است که این زوج، خوشبخت‌ترین و جورترین زن و شوهر تهران هستند و از محبوبیت عمومی برخوردارند.»

مادام دیولافوا نیز در خاطرات خود می‌نویسد: «در عقب عمارت سرپوشیده شاهزاده (ظل السلطان حاکم اصفهان) اندرون واقع شده که فقط به زنان صیغه شاهزاده اختصاص دارد زیرا که شاهزاده پس از مرگ نخستین زن عقدی خود که دختر امیرنظام بود دیگر زن عقدی اختیار نکرد و یک اردو از زنان صیغه را در اندرون جمع کرده است.»

دروویل در مورد دختران شاه در زمان فتحعلی شاه می‌نویسد: «شاه معمولاً دختران خود را به عقد ازدواج بزرگان درباری در می‌آورد. کسی طالب کسب این افتخار نیست. زیرا نه تنها دختران شاه جهیزیه‌ای به همراه نمی‌آورند بلکه داماد شاه مجبور است

خانه و زندگی بسیار مرتبی نیز برای آنان تهیه کند. دامادهای شاه معمولاً مردان بدبختی هستند زیرا چون غلامان زر خرید در برابر همسران خود مجبور به ادای احترام اند و حتی پیش از کسب اجازه در حضور دختران شاه حق نشستن ندارند. دامادهای شاه حق گرفتن زنان دیگر یا حتی کنیزکان را ندارند و اگر از اوامر همسر خویش سرپیچی کنند چون بیگانگان مجازات های سخت می بینند».

درباره ازدواج نکردن با دختران شاه، گرتروید بل در زمان ناصرالدین شاه می نویسد: «شمار زنان شاه عظیم است و از خانواده ای به همان نسبت بزرگ برخوردار است. از این رو یافتن تعداد کافی خواستگاران والاتبار که شایسته همسری این دختران باشند باید کار دشواری باشد. از این گذشته ممکن است در رفتار خواستگاران اثری از بی میلی باشد زیرا که امتیاز داماد شاه بودن خالی از زیان های خاص خود نیست. اگر تصادفاً نجیب زاده انتخاب شده ثروتمند باشد شاه بستگی نزدیکی را بهانه ای برای درخواست هدایای گزاف او قرار خواهد داد و اگر زمانی در آینده تمایل به ازدواج دیگری پیدا کند تشریفات درباری مانعی بر سر راهش خواهد بود. بدتر از آن اینکه پیشتر ازدواج کرده باشد ناچار است در امتثال امر همایونی از همسرش جدا شود.»

تاج السلطنه از مقصود ازدواج با زنان خاندان سلطنتی این گونه پرده بر می دارد: «تمام ماها را که مردم برای خودشان یا پسرشان می گرفتند مقصود اصلی و نقطه نظرشان خودشان بودند که به واسطه داشتن دختر سلطان در خانه خود، هر گونه تعدی و مخطی نسبت به مال و جان و ناموس مردم می کنند، مورد مؤاخذه نشده، مختار و مجاز باشند. بیچاره ما که اسلحه ای برای مردم بودیم و بالاخره همین اسلحه را طبیعت به روی خودمان کشید.»

منابع:

۱- فووریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.

۲- کارلاسرنا، سفرنامه، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲.

۳- دیالافوا، سفرنامه، ترجمه فره وشی، تهران: خیام، ۱۳۶۱.

۴- میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، تهران: آفرینش، ۱۳۷۹

*بنفشه حجازی، تاریخ خانمها، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۸.

منبع: تقدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۲۰۴/شاه-دامادها-پهستند-پدبختي-مردان-معمولا>